

کشف حجاب در آذربایجان

○ محمد رضایی

۱۴۱

اشاره

با استحکام قدرت رضاخان و همراهی برخی از روشنفکران، برنامه‌های متجددانه به اجرا درآمد که مقصود از آن هم‌رنگ نمودن ایران با کشورهای اروپایی، بدون توجه به ارزشهای اسلامی-ایرانی بود و حاصلی جز به حاشیه راندن دین و فرهنگ دربر نداشت و حتی اصل پوشیدگی و عفاف زن نیز قربانی تمایلات حکومت شد و حجاب، نمود تدین و عفاف و حکم صریح قرآن، مورد هجوم قرار گرفت و از آن به عنوان عامل عقب ماندگی یاد شد. هجوم به حجاب بانوان مسلمان، دوره‌ای تاریک در تاریخ معاصر ایران را رقم زد. حکومت و عوامل غرب زده در پی آن بودند تا زنان را برای برآوردن مقاصد نوگرایانه خود آماده سازند تا بانوی شیعه ایرانی به جای الگوهای اسلامی، زن غربی را الگوی خود ساخته، مذهب و ارزشهای حاصل از آن را به کلی کنار گذارد. رضاخان برخلاف خواست مردم با هدایت بیگانه، نیات شوم خود را با زور سرنیزه و فشار پلیسی بسیار اعمال نمود. در عصر قاجار بویژه در آذربایجان، زنان به ندرت^۱ در صحنه‌های فعالیتهای اجتماعی ظاهر می‌شدند و برای انجام امورات خارج از منزل در شهرها عمدتاً از چادر و روبند^۲ استفاده می‌کردند؛ اگر چه اندک تغییری در پوشش زنان طبقات بالا به وجود آمده بود که تنها شامل اعیان و اشراف و آن هم در محیط اندرونی می‌شد. آذربایجان در منتهالیه شمال غربی ایران، با روسیه و

ترکیه همسایه بود و می توانست به عنوان محل ورود افکار تازه به شمار رود و اگر قرار بود تغییری در پوشش زنان روی دهد، می بایستی از همین محل شروع می شد. ترکیه تحت حکومت آتاتورک می توانست تأثیر بیشتری بویژه از نظر کشف حجاب بر مردم آن سامان بگذارد. اما اعتقادات عامه که ناشی از فرهنگ مذهبی و باورهای ملی بود موجب شد تا آنان نه تنها تمایلی به این امر نداشته باشند بلکه در مقابل آن نیز مقاومت کنند.

دوره حکومت پهلوی برای مردم آذربایجان از جمله بانوان، دوره ای سخت و طاقت فرسا بود. و آغاز رسمی کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ ه. ش مشکلات بسیاری برای بانوان متدین در شهرها و دهات و حتی در میان عشایر آذربایجان به وجود آورد و زندگی عادی آنان را تا زمان سقوط دیکتاتوری رضاخان برهم زد به گونه ای که زنان آذری ماندن در کُنج خانه ها را بر تحمل بی حجابی ترجیح دادند.

تاکنون برخی از اسناد مربوط به واقعه کشف حجاب در آذربایجان منتشر شده است.^۳ اینک برخی از اسناد این دوره مربوط به شهرهای اطراف تبریز و برخی دیگر از شهرستانهای کوچک برای اولین بار منتشر می شود که نشان دهنده روند اجرای بی حجابی توسط حکومت وقت در آذربایجان می باشد که پرده از روی بسیاری از نقاط تاریک این واقعه و واکنشهای مردم در مقابله با آن برمی دارد.

آذربایجان و نخستین درگیری با دیکتاتوری رضاشاه

تجربه تلخ مشروطه، علمای آذربایجان را از مداخله در مسائل سیاسی بازداشت. با وجود اینکه علمای آذربایجان در انقلاب مشروطه نقش مؤثری داشتند ولی دسته ای از مشروطه خواهان سعی در حذف ایشان از صحنه سیاسی نمودند و حتی از اقدامات تروریستی درباره آنان خودداری نکردند. با این پیش آمدها علمای آذربایجان با سردی و اکراه حاضر به مداخله در امور سیاسی بودند.

رضاخان پس از کسب قدرت در ابتدا چهره ای حامی اسلام از خود نشان داد. اما کم کم نقاب از چهره وی کنار رفت و نیات اصلی وی نمایان شد. او سپس به سیاست تقلید از غرب شتاب بیشتری داد و تمایلات واقعی خود و اطرافیانش را در جهت زدودن ارزشهای اسلامی بر همه آشکار کرد. سخت گیری بر علما برای کاستن از فعالیتهای اجتماعی و محدود کردن آنان، مرحله دیگری از اقدامات رضاشاه بود. هم زمان «برخی از احکام شرعی در عرصه اجتماع به عنوان مزاحم تلقی شد و با تبلیغات فراوان، زمینه سازی به منظور رهاندن دولت از قید و بند این احکام صورت پذیرفت.»^۴ شدت یافتن سخت گیری از جانب حکومت و اعمال خلاف شرع از

کشف حجاب در آذربایجان

جانب برخی افراد طبقات بالا و حمله به حریم اسلام، موجب شد، علما از آن رخوت سیاسی پس از مشروطه بیرون آیند.^۵

اولین تلاش‌های مردم و علمای آذربایجان علیه حکومت رضاخان به رهبری آیت‌الله میرزا صادق آقا مجتهد در ماجرای حرم حضرت معصومه در قم به سال ۱۳۰۶ صورت گرفت. زمانی که همسر رضا شاه در حرم، حجاب از سر بر گرفته بود و شیخ محمدتقی بافقی او را از این عمل منع کرده بود، رضاخان شخصاً به قم رفت و دستور دستگیری و زندانی نمودن وی را صادر کرد. در این جریان میرزا صادق آقا با حضور در صحنه مبارزه، تلاش زیادی برای آزادی وی به عمل آورد ولی تلاش او نتیجه‌ای نداد.^۶

حرکت بعدی در زمستان همان سال برای همراهی با اقدام حاج آقا نورالله اصفهانی صورت گرفت و علمای تبریز قصد هجرت به قم داشتند اما بعد مسافت سبب شد علمای آذربایجان که مرحوم میرزا صادق آقا سرشناس‌ترین ایشان بود به موقع نرسیدند.^۷ میرزا صادق آقا بعد از شهادت آقا نورالله اصفهانی به قم رسید و پس از شرکت در مراسم ترحیم به تبریز بازگشت.^۸ این تلاشها را می‌توان مقدمه قیام عمومی سال ۱۳۰۷ ش دانست که منجر به سرکوب شدید قیام و تبعید برخی از علمای سرشناس شد.

۱۴۳

قیام سال ۱۳۰۷ و تأثیر آن بر تحولات بعدی در آذربایجان

محمدحسن آیرم از فرماندهان ارتش در تبریز در ماه محرم با برخی زنان بدنام به عیش و نوش پرداخته بود. انتشار این خبر در میان علما و مردم مذهبی و معتقد تبریز، با واکنش شدید آنان رو به رو شد.^۹ مرحوم سید ابوالحسن انگجی از علمای مشهور و مورد احترام تبریز در دیدار با امیراحمدی به این اقدام شدیداً اعتراض کرد. امیراحمدی در خاطراتش از قول مرحوم انگجی می‌نویسد: «نمی‌توانم بینم که یک فرمانده لشکر و یک حاکم، که حافظ ناموس و حیثیت عمومی هستند، شراب خواری کنند و شیشه‌های خالی مشروب را در استخر بیندازند و برای تفریح هدف گلوله قرار دهند.»^{۱۰}

هم زمان، اعلام موضوع تغییر لباس و خدمت نظام وظیفه، موجب گسترش اجتماعات اعتراض آمیز شد. رهبری این اعتراضات را دو تن از علمای شهر یعنی آیت‌الله میرزا صادق آقا و شیخ ابوالحسن انگجی بر عهده داشتند. با تجمع مردم در منازل علما بویژه منزل آیت‌الله انگجی و میرزا باقر قاضی طباطبایی اوضاع شهر بحرانی شد ولی با اعزام نیروی کمکی از مرکز، قیام سرکوب و رهبران قیام دستگیر شدند. آنان را ابتدا به کردستان و سپس به قم تبعید کردند. آیت‌الله انگجی پس از پایان دوران تبعید به تبریز بازگشت ولی میرزا صادق آقا در قم ماندگار شد و در

سال ۱۳۱۱ هـ ش در همان شهر درگذشت.^{۱۱}

رضاشاه در سفرش به تبریز، در ملاقات با علمایی مانند آیت الله انگجی، حاج میرزا خلیل مجتهد و حاج میرزا باقر قاضی طباطبایی با ابراز خرسندی از سرکوب قیام علما، ضمن شتمات آنان، دستورات حکومتی خود را به ایشان دیکته نمود.^{۱۲} اقدامات خشونت بار و سرکوب شدید این قیام، موجب تضعیف قدرت و موقعیت علما در آذربایجان شد و زمینه را برای اقدامات ضداسلامی بویژه در مورد واقعه کشف حجاب آماده تر نمود.

کشف حجاب

هم زمان با آغاز زمزمه ها برای اجرای کشف حجاب، «علی اصغر حکمت»، وزیر فرهنگ وقت در سفری به تبریز، علاوه بر ساماندهی امور فرهنگی و بازرسی از مدارس، در صدد تهیه مقدمات کشف حجاب برآمد. وی در مورد چگونگی اجرای اوامر مرکز برای دست اندرکاران امور فرهنگی در منطقه دستوراتی صادر کرد.^{۱۳}

از سوی دیگر، فهیمی، استاندار آذربایجان شرقی، در سفر به تهران دستور اجرای کشف حجاب را از رضاشاه گرفت و در بازگشت سعی زیادی برای اجرایی کردن آن به خرج داد. آیت الله میرزا محمد ثقة الاسلام در این باره می نویسد: «از قرار معلوم دولت بر این صدد آمده بود که برای کشف حجاب و ترقی زمره نسوان، تصمیمی اتخاذ نماید. آقای فهیم الملک به تهران تشریف بردند و برگشتند و روزی طرف غروب بی خبر به منزل دعاگو تشریف آوردند و اظهار فرمودند که به تهران رفته بودم و شرفیاب حضور اعلی حضرت همایونی شدم. برای ترقی نسوان فرمایشاتی فرمودند که طایفه نسوان خوب است با مردان و رجال همکاری و مثل اروپاییها معاشرت و رفتار نمایند و از مردان تحاشی نکنند و بنده عرض کردم هر آنچه رأی مبارکشان تصویب نماید البته صلاح دولت و ملت تصور کرده عین آن صواب خواهد بود.»^{۱۴}

با رسمیت یافتن کشف حجاب اجباری، اقدامات گسترده ای از جانب استانداری، معارف و شهربانی به اجرا درآمد. استاندار وقت در گزارشی به تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۱۴ به وزارت داخله اقدامات انجام شده را چنین گزارش می دهد: «دعوتهایی از طرف محترمین و تجار شد و ادامه خواهد داشت. دعوتهای اصناف هم در آتیه شروع خواهد شد و از ورود زنها با چادر در مغازه ها و سینماها و معابر و از سواری آنها در درشکه و اتومبیل چند روز است ممانعت می شود.»^{۱۵}

در تبریز نیز همچون سایر نقاط کشور، از سوی اداره فرهنگ، به ریاست برادر استاندار وقت، کارکنان دولت اعم از معلمان و کادر اداری معارف با همسرانشان به مراسم ویژه ای دعوت شدند. جشنهای مشابهی نیز در سایر ادارات برگزار گردید. این جشنها هر سال در ۱۷

کشف حجاب در آذربایجان

دی از طرف دانش سرای دختران برگزار می شد که با اجرای نمایش و برنامه های تبلیغی همراه بود.^{۱۶} اقدام بعدی، در مدارس دخترانه بود که با تشکیل مجالس سخن رانی، نمایش و پیشاهنگی و با لباسهای متحدالشکل و بدون حجاب برگزار می شد.^{۱۷} با وجود آنکه کارکنان و معلمان مدارس جزو اولین قربانیان بودند ولی اجرای آن با مخالفتهایی از جانب برخی از ایشان رو به رو شد. محمدعلی صفوت، دست اندرکار امور فرهنگی در آذربایجان، از جمله کسانی است که با این اقدام مخالفت می کرد. وی در کتاب تاریخ فرهنگ آذربایجان می نویسد: «در زمان مأموریت آقای فهیمی، دستور رفع حجاب از مرکز رسید و از بانوان فرهنگی آغاز شد. نگارنده در همان روز به رئیس فرهنگ تذکر داد پیش از آنکه این عمل به خانمهای دیگر سرایت کند و دستهای دیگر وارد کار شود، شما می توانید تا جایی جلو منافسات و رقابتهای خانه برانداز را بگیرید... و می توانید لباس تمام قد آبرومندی را در میان مستخدمات رواج دهید شاید دیگران هم پیروی کنند، گفت فردا باز اجتماع دارند ممکن است خودتان بیایید و آنچه را که لازم می دانید به خانمها برسانید. البته این جواب طفره و تعلل بود زیرا که رئیس خود می دانست که این سخن از من رسمیت نداشت و شنوندگان مجبور به اطاعت نبودند صرف نظر از حسن و قبح ذاتی عمل یک هفته که تندرویهای بوالهوسانه به ظهور آمد و به کار افتاد.»^{۱۸}

۱۴۵

کانون بانوان، ابزاری برای تبلیغ بی حجابی

نخستین گام در کشف حجاب، تشکیل کانون بانوان بود که از زنان تحصیل کرده طبقات بالای اجتماع تشکیل شده بود. هدف این کانون، مبارزه با سنن قدیمی و سعی در متجدد نمودن بانوان و فراهم آوردن زمینه کشف حجاب بود.^{۱۹} کانون بانوان غیر از تهران، در شهرستانها نیز تشکیل و به عنوان بازوی تبلیغاتی دولت در پیشبرد نیات ضد مذهبی فعالیت می کرد. نخستین جلسه هیئت مؤسسه کانون بانوان در تبریز با دعوت خانم عزیزه نیساری، مدیر دانش سرای ایراندخت در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۵ تشکیل شد. در اولین جلسه، حدود ۲۷ تن از بانوان از جمله مدیران مدارس و معلمان حضور داشتند. جلسه بعدی با حضور سیصد تن و نیز فهیمی، رئیس فرهنگ برگزار شد ولی اندکی بعد به علت عدم استقبال عامه، کم کم از رونق افتاد و تعطیل شد.^{۲۰}

علمای آذربایجان و کشف حجاب

با رسمیت یافتن کشف حجاب، اقداماتی برای اجرای فرامین حکومت مرکزی در آذربایجان

صورت گرفت. با سرکوب قیام سال ۱۳۰۷، حکومت نوعی اقتدار ظاهری یافته بود. این در حالی بود که رضاخان قبل از رسیدن به سلطنت در سفری به تبریز، و دیدار با علمای شهر تأکید کرده بود که هرگز اجازه نخواهد داد بی‌حجابی در ایران عملی شود. آیت‌الله شهید قاضی طباطبایی از قول پدرش نقل می‌کند که «خودش [رضاخان] به من گفت که تا من زنده هستم نمی‌گذارم کشف حجاب در ایران عملی بشود... ولی بعداً خودش این کار را کرد.»^{۲۱}

عوامل حکومت در آذربایجان برای پیشبرد نیات دولت، از روحانیون نیز برای شرکت در مجالس و میهمانی‌هایی با حضور زنان بی‌حجاب، دعوت می‌کردند و ایشان را تحت فشار قرار می‌دادند. برای نمونه فهیمی، استاندار وقت، در ملاقات با میرزا محمد ثقة‌الاسلام دستور حکومت را برای کشف حجاب به ایشان اعلام کرد.^{۲۲} میرزا محمد ثقة‌الاسلام جریان را بدین صورت بازگو نموده است: «آقای مشکوة انصاری که در نظمیة عضویت داشت با فرماندار وقت آقای عضدی به بنده منزل تشریف آوردند. بعد از تعارفات رسمی اظهار کردند از طرف دولت امر شده مجلسی تشکیل داده مرکب از مرد و زن (خانم و آقا) و جمعی هم از علماء در آن مجلس دعوت کنیم تا مردم با شیوه و اختلاط با مرد و زن عادت کنند. دعاگو عرض کردم بنده نمی‌توانم ابداً در هم‌چنین مجلس قدم بگذارم و گفتم در این شهر سینما و سیرک تشکیل می‌شود ولی از عالم ملاً خارج است این هم مثل آن و گفتم این عمل با عالم روحانیت مغایر است. جواباً گفتند دیگر این امر دولت است چنانچه در قضیه نظام وظیفه عملی را که دولت در حق آقایان آقا میرزا صادق آقا و انگجی کردند، دیدید. بنا کرد با این حرفها تهدید کردن بنده. عرض کردم در راه دین اینها اهمیتی ندارد. مثلی برای ایشان زدم که مناسب این مقام نیست. گفتم: حالا آقای مشکوة شما این تکالیف شاق و خلاف شرع را برای ما تکلیف می‌کنید و اضافه کردم بنده نمی‌توانم این تکلیف را قبول کنم.»^{۲۳} استاندار، ناامید از همراهی علما و برای پیشگیری از شورش تازه، در تلگرافی به سمیعی، رئیس دربار، کسب تکلیف کرد. (متن تلگراف در کتاب سوانح عمر موجود است.) نتیجه این اقدام عقب‌نشینی دولت از موضع خود در مورد علما بود و در تلگرافی که به شهربانی تبریز ارسال گردید دستور داده شد «با سایر روحانیون و علما نیز در این مورد کاری نداشته باشید. از این جهت در مجلسی که حکومت تشکیل داده بود، کسی از روحانیون در آنجا حضور نداشت.»^{۲۴} غیر از ایشان برخی علمای شهر نیز به مقابله آشکار در قالب نهی از منکر بانوان بی‌حجاب پرداختند. از جمله می‌توان به برخورد میرزا قاسم آقا گرگری از شاگردان میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی با همسر رئیس دارایی تبریز در اعتراض به بی‌حجابی او اشاره کرد که از حمایت مردمی برخوردار شد و موجب تعطیلی بازار تبریز گردید.

دو تن از بستگان آیت‌الله گرگری جریان امر را چنین شرح می‌دهند: «در زمان رضاشاه هنگامی

که میرزا قاسم آقا برای نماز تشریف می بردند، در مسجد حسن پادشاه نماز می خواندند، در مسیر می بینند همسر رئیس دارایی وقت بدون حجاب می آید، به او اعتراض می کند که برو حجابت را رعایت کن... در اینجا، از این بی حجابی نمی شود و به آن خانم شدیداً اعتراض می کند. به حمایت از آن خانم، شهربانی مداخله می کند. از این طرف هم اهالی محله دوه چی (شتریان) از میرزا قاسم آقا حمایت می کنند. بین مردم و نیروهای شهربانی درگیری روی می دهد و سه روز بازار به همین جهت اعتصاب می کند.^{۲۵} این اولین اعتراض علما و مردم آذربایجان در مقابل کشف حجاب بود. از علمای دیگری که در مقابل این جریان به اعتراض پرداختند آیت الله میرزا محمود دوزدوزانی بود.^{۲۶} علمای شهرهای هریس^{۲۷} و اسکو و خسروشهر نیز به جریان اعتراض پیوسته بودند.

حکومت برای خنثی نمودن مخالفت‌های علما و از بین بردن قبح کشف حجاب نزد عموم، به استفاده از علمای درباری روی آورد. اسناد موجود نشان می دهد که در برخی از شهرها علمای درباری به وسیله ای برای تبلیغ نیت حکومت تبدیل شدند.^{۲۸}

روند اجرای کشف حجاب و پی آمدهای آن در آذربایجان

با رسمیت یافتن بی حجابی، مأموران محلی اقدامات فراوانی برای گسترش آن به عمل آوردند. اولین اقدام، دعوت از افراد محترم و تجار و در مرحله بعدی از اصناف برای پیوستن به این حرکت بود. هم زمان از ورود بانوان محجبه به معابر عمومی، مغازه ها و استفاده از وسایل نقلیه مانند درشکه و اتومبیل جلوگیری شد.^{۲۹} اما این اقدامات و سخت گیریها نتیجه ای دربر نداشت، لذا از طبقات مختلف اجتماعی بویژه از کارکنان ادارات دولتی خواسته شد با ترتیب دادن مجالس جشن، به همراه همسران خود در آن شرکت نمایند. هدف از این اقدام در هم شکستن مقاومت عمومی بود.^{۳۰}

اسناد موجود نشان می دهد که بسیاری از رؤسای ادارات و کارمندان دولت به بهانه های مختلف از حضور در این مجالس خودداری می کردند. از این رو مرکز با ابلاغ بخش نامه هایی حضور در این برنامه ها را جزئی از وظایف اداری به شمار آورد.^{۳۱} این اقدام علاوه بر کارمندان عادی در میان مدیران ادارات و حتی حکام شهرها نیز با مقاومت رو به رو شد، که از آن جمله می توان به مخالفت امیر ابراهیمی (سالار محتشم)، حاکم آستارا، اشاره نمود که به دستور رضانشاه از مقام خود برکنار شد.^{۳۲}

اسناد موجود شدت مخالفت عمومی با اجرای این برنامه ها را نشان می دهد. در برخی موارد مردم محلی علاوه بر عدم همکاری و قطع رابطه با خانواده های طرفدار بی حجابی، به تنبیه

ایشان اقدام می کردند. آن گونه که در هریس رخ داد.^{۳۳} از راههای دیگر مبارزه، نصب شب نامه و تهدید مأموران اجرای دستور و عاملان رواج بی حجابی بود. چند سند مانده از آن دوره مربوط به شهر مراغه، نشان دهنده این امر است.^{۳۴}

با وجود آنکه به افسران ارتش نیز برای اجرای کشف حجاب دستوراتی داده شده بود^{۳۵}، اما سخت گیریها و مراقبتهای شهربانی در آذربایجان تأثیر چندانی نداشت و مقاومتها همچنان ادامه می یافت. اسناد موجود از آن دوره تاریک که برای اولین بار در این مجموعه منتشر می شود، نشان دهنده عدم پیشرفت بی حجابی در شهرهای مختلف آذربایجان می باشد.

با شدت گرفتن سخت گیری و اقدامات بعضی از مأمورین شهربانی در ایجاد جوّ خشن پلیسی در جامعه، بسیاری از بانوان به واکنش منفی روی آوردند. «یکی از مبارزات سخت و طاقت فرسای زنان در آن زمان محدود کردن خود در خانه بود. آنها برای اینکه خود را از تعرض مأمورین دولت حفظ نموده و از هتک حرمت و حریم و شخصیت خود جلوگیری نمایند ناچار شده بودند که غیر از موارد ضروری از منزل خارج نشوند و بدین ترتیب رضاخان برای اغلب زنان کشور که مقید به دین و حفظ حجاب شرعی خود بودند، زندانی بزرگ ساخت و نهضت آزادی زنان حکم حبس زنان نجیب و عقیف شد.»^{۳۶}

این نوع مقاومت، وزارت داخله را بر آن داشت تا طی احکامی خطاب به کارکنان وزارت خانه‌ها آنان را ملزم به خروج همسرانشان از خانه‌ها نمود و متخلفان را تحت تعقیب قرار داد.^{۳۷}

اسناد بازمانده از آن سالها نشان می دهد که بسیاری از ایشان ماندن در کنج خانه‌ها را بر ننگ تحمل بی حجابی ترجیح می داده‌اند و تا زمان سقوط دیکتاتوری رضاشاه از خانه‌های خود خارج نشده‌اند و بعد از شهریور ۱۳۲۰ تعداد زیادی از زنانی که به اجبار بی حجابی را تحمل می کردند دوباره به حجاب روی آوردند.^{۳۸}

اجرای کشف حجاب پیامدهای بسیاری داشت. یکی از آنها، ترک تحصیل بسیاری از دختران بود که خانواده‌ها به دخترانشان اجازه تحصیل نمی دادند. پیامد دیگر آن، سوءاستفاده برخی از مأمورین فرصت طلب بود که با اعمال خشونت بیش از حد و ایجاد مزاحمت برای بانوان، منجر به شکایت از آنان به وزارت داخله شد، ولی حکومت این اقدامات را تکذیب و خبر را بی اساس جلوه داد.^{۳۹} پی آمد دیگر کشف حجاب، دادن آزادی بیشتر به فعالیتهای غیرمشروع زنان هرزه و خیابانی بود که تا زمان انقلاب اسلامی ادامه یافت.

جناب آقای سمعی رئیس دربار سلطنتی

در این نهضت ، بانوان اهالی آذربایجان همگی در امتثال اوامر مقدسه ملوکانه مبادرت جسته علمای اعلام نیز از مقررات دولتی تخلف ندارند. خانواده شان هر وقت به خارج رفته رعایت اصول مقرر را خواهند کرد، لیکن دعوت به مجالس جشن و مهمانی و یا اینکه در منزل خویش مجلسی تشکیل داده خارج از وظیفه روحانی بوده و شرط این قضیه جزء اراده ملوکانه نیست و این گونه تکلیف حقیقتاً بر نسوان متوجه است چنانچه در هر مذهب و کیش ، نوع روحانی امتیازاتی را دارا هستند. ناچار در مرکز اسلام و پیشگاه اقدس ملوکانه نیز مورد توجه و عنایت خواهند بود. مسلمین اقطار عالم در صورتی که زیر بیرق خارج به سر می برند، به استظهار شوکت دولت اسلامی ایران در عواید قومی و مذهبی خود آزاد می باشند، چگونه رواست در این

مملکت اسلامی آن هم سلسله علماء و روحانی مکلف پیاره تکالیف باشند. این است از پیشگاه اقدس ملوکانه استرحام و استدعا می شود که به اولیای امور امر و دستور ملوکانه صادر کرده نوع روحانی را از پاره تکالیف شاقه معاف و با نظر عنایت منظور فرمایند.

سرتسلیم نهادیم به حکم و
رأیش
تا چه اندیشه کند رأی جهان
آرایش

الاحقر - محمد
ثقة الاسلام ۴۰



[سند شماره ۲]

شماره

تاریخ: ماه ۱۳۱ وزارت داخله

پیوست (استانداری سوم)

استخراج تلگراف رمز وزارت داخله مورخه ۱۷/۲/۷ [۱۳]

استانداری مفتاح ۹ پیرو بخش نامه ۷۰۸/۲۰۷۷ و تلگراف رمز ۱۹۱۹؛ با وجود اینکه کراراً راجع به رفع حجاب تذکر داده شده باز اطلاعات می رسد که رفع حجاب و نهضت بانوان پیشرفت کاملی ننموده، هنوز در بعضی شهرستانها نمایان [و در] دهستانها، زنها با چهارقد و چاق چور بیرون می آیند. مقتضی است فوراً دستور اکید به بخشدارها صادر فرموده و گوشزد شود که مسامحه و غفلت در این کار موجب مسئولیت و تعقیب سخت آنها خواهد شد و از نتیجه وزارت داخله را مستحضر فرمایند.

۲۵۴ فریدونی

آقای معزی دستور مؤکد به همه مأمورین مربوطه صادر نمایند به شهربانی و امنیه ها بنویسید ۱۷/۲/۷ [امضاء] بی درنگ اقدام شود.

۱۵۰



کشف حجاب در آذربایجان

[سند شماره ۳]

وزارت کشور
استان سوم

شماره کتاب ثبت ۶۷۴۰

تاریخ صدور ۲۰/۵/۱۳۳۱ [۱۳]

جزوه دان ۱۸ پرونده ۱۰

پیوست

پاکنویس ماه ۱۳۲

تاریخ مینوت ماه ۱۳۲

هنگ ۳ امنیه لشکر ۳ شمالغرب

محرمانه

پاسخ نامه شماره ۷۶۷۵۲۰/۴/۲۹ ط به بخشداریه‌های مربوطه نوشته شد که نهایت مراقبت و دقت را در پیشرفت این منظور به عمل آوردند ولی لازم است تذکر داده شود وقتی مأمورین امنیه که بهترین وسیله اجرای نظریات اولیای امور دولت شاهنشاهی باشد، نتوانند از این اقدامات اهالی جلوگیری نمایند دیگر چه انتظاری از بخشداران و یا دهداران و کدخدایان که تمام اتکای آنها به مأمورین امنیه است می‌توان داشت. قدغن فرمایند مأمورین امنیه در اجرای این منظور و جلوگیری از آمد و رفت بانوان با چادر و روبند و غیره کمال مراقبت و تشریک مساعی را با مأمورین بخشداری به عمل آورند چون این موضوع نهایت اهمیت را داشته و مورد توجه خاص است. البته با هر

اقدامی که از طرف آن هنگ در این زمینه به عمل آید کمک شایانی به پیشرفت نهضت بانوان خواهد نمود. و روی این اصل بود که چندی پیش نیز طی شماره

از آن هنگ خواسته شد که دو نفر امنیه مأمور فرمایند به اسکورفته و اهالی را وادار به ترک رویه ناپسند خود بنمایند. انتظار می‌رود چنانچه اقدام مؤثر و مراقبت کافی از طرف مأمورین به عمل آید، این وضعیت کنونی خیلی زود خاتمه خواهد یافت. البته به مأمورین بخشداری نیز دستور داده خواهد شد که از هیچ‌گونه همراهی و کمک به مأمورین آن هنگ خودداری و دریغ ننمایند.

فرماندار شهرستان تبریز [امضاء]



[سند شماره ۴]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

سواد

مورخه

نمره

ایالت شرقی آذربایجان سه فقره عکس مجلس جشن نهضت بانوان را در تبریز و ولایات حوزه ایالت شرقی لفاً ارسال و اظهار می دارد در تمام حوزه های ایالت شرقی آذربایجان نهضت بانوان پیشرفت کاملی دارد. فقط در اردبیل یک نفر از اعضای عدلیه آنجا در مجلس جشن حاضر نشده بود. حکم انفصال خدمت درباره او صادر شده است.

۲۵ آذرماه ۱۳۱۴



کشف حجاب در آذربایجان

[سند شماره ۵]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

نمونه ۳۶۵

نمره کتاب ۸۷۰ تلگراف

ریاست ستاد ارتش

ساعت ۱۷ امروز، افسران ارشد تا فرمانده گردان همچین والی و عده [ای] از رؤسای ادارات با خانمهایشان برای صرف چای به کانون افسران لشکر دعوت شده، پس از ساعتی مجلس به سلامتی اعلی حضرت همایون شاهنشاهی خاتمه یافت.

۱۴/۱۰/۲۸ نمره ۵۹۹۶

سرلشکر محتشمی [مُهر]

۱۵۳



[سند شماره ۶]

نمره
نمره قبل
تاریخ ۱۴/۱۰/۲۹ به طهران [تهران]
کارتن تلگراف رمز
دوسیه

ارکان حرب کل قشون

مسوده تلگرافی
کتبی

مورخه ماه
ضمیمه

متحدالمآل

حسب الامر مبارک مقرر است در این موقع که از طرف بانوان مرکز و سایر شهرهای کشور شاهنشاهی شروع به نهضت‌های ترقی خواهانه شده و برای شرکت در حیات اجتماعی، مثل سایر نسوان ممالک متمدنه برای کشور و خانواده خود سعی و کوشش می نمایند. بایستی فرماندهان واحدهای ارتش نیز در تشویق و پیشرفت رفع حجاب اقدام و پیش قدم باشند. مخصوصاً بایستی به منظور ترویج [نهضت] بانوان آن منطقه و ترغیب آنها در مشارکت با اقدامات سایر نسوان کشور، مجلسهای مهمانی برای افسران از طرف فرماندهان قسمتها تشکیل و از آنها دعوت شود

۱۵۴



که در معیت خانمهای خودشان بدون حجاب در مهمانی مزبور حضور پیدا کنند. و ضمناً به آنها گوشزد شود که امروز در سایه ترقیاتی که کشور شاهنشاهی پیدا کرده و بایستی با دنیا معاشرت و مماشات داشته باشند. ضروری است که بانوان کشور ما نیز مثل نسوان سایر ممالک در طریق ترقی و تعالی بوده باشند.

سرلشگر ضرغامی

۶۱۹۵ - لشگرها و تیپها - و

هنگهای خارج

۶۱۹۵ - نیروی دریایی جنوب

۶۱۹۷ - نیروی دریایی شمال

کشف حجاب در آذربایجان

[سند شماره ۷]

بتاریخ ۱۳۱۴/۴/۷

نمره

۴/۱۳ رمز شود

وزارت داخله

فوری

تلگراف به مراغه ایالت شرقی آذربایجان

حکومت راپرت محرمانه حاکی است که صبح ۱۵ ماه جاری ، شب نامه بی امضایی مبنی بر تحریم و کشف حجاب و تهدید عاملین آن به دیوارها زده شده بود. از طرف نظمیۀ فوری اعلانیها کنده شده ، تفصیل چیست و ناشرین آنها کیها بوده اند؟ لازم است دقیقاً تحقیق و مرتکبین را معین نموده فوری راپرت دهید.

مراغه

حکومت تفصیل اعلان تحریم چه بوده که نظمیۀ جمع آوری کرده دقیقاً مشخص ، مرتکبین کشف [شوند] و راپرت دهید تا دستور مقتضی داده شود. ۱۴/۴/۱۷ [۳۸۷] فهیمی

۱۵۵



[سند شماره ۸]

محرمانه مستقیم

تاریخ ۱۸ / ۴ / سال ۱۳۱۴
 نمره ۱۶۶۱ ضمیمه - ۲ -
 موضوع انتشار اعلان بی امضاء

وزارت داخله
 ایالت شرقی آذربایجان
 (حکومت مراغه)

مقام منبع ایالت کبری دامت برکة

تعقیب تلگراف معروضه نمره ۹۴ رمز به عرض می رساند؛ که آژانها و مفتشین بلدیّه که صبح خیلی زود برای تفتیش به خیابان و کوچه ها می روند. صبح روز ۱۴/۴/۱۵ تصادف نموده سه چهار فقره اعلانی که در دو سه محل خیابان خواجه نصیر و پهلوی الصاق نموده و بی امضاء بوده اند، فوری کننده به اداره حکومتی آورده اند. مراتب تحت ۱۶۱۵ و ۱۶۱۶ به اداره نظمیّه ابلاغ و عین آنها هم ارسال و

تأکید گردید که خیلی فوری در کشف و پیدا کردن نویسنده و نشر کننده اعلان اقدام نماید و اداره حکومتی و نظمیّه جداً مشغول تحقیق است، پس از حصول نتیجه به عرض خواهد رساند. سواد دو فقره اعلان هم در ضمیمه از لحاظ مبارک می گذرد. حکومت مراغه بلوری [مهر حکومتی]

به نظمیّه ایالتی و حکومت مراغه بنویسید با هر وسیله ممکن است باید این قضیه تعقیب و کشف شود. هیچ گونه مسامحه و ملاحظه مورد ندارد. خط اعلانها را حفظ نمایند که بتوان در کشف مطلب موفق شد. راپرت محرمانه به وزارت داخله شود.

۱۵۶



کشف حجاب در آذربایجان

[سند شماره ۹]

مرد - خداآفرین

بستان آباد

آذرشهر - شستر

پاکنویس ماه ۱۳۲

شماره کتاب ثبت ۶۷۴۱

تاریخ صدور ۲۰/۵/۱

جزوه دان ۱۸ پرونده ۱۰

پیوست

وزارت کشور

استان سوم

بخشداری تبریز

گزارش واصله از هنگ امنیه ۳ لشکر شمالغرب حاکی است که در دهات حوزه مسمر و صحرا، نهضت بانوان به طوری که منظور نظر اولیای امور می باشد، پیشرفت ننموده و بانوان با همان لباس و چادرشبهای سابق در انظار عمومی ایاب و ذهاب می نمایند. چون این موضوع مورد توجه خاص ماست و باید مراقبت و اهتمام کامل در جلوگیری از این اقدامات بی رویه اهالی به عمل آید، مقتضی است به دهدار سردرود و کدخدایان حوزه تابعه اکیداً قدغن فرمایند که در این مورد همه گونه کوشش و جدیت به عمل آورده و از رفت و آمد بانوان با چارقد و چادر

ممانعت نمایند. به هنگ امنیه نوشته شد که به مأمورین مربوطه دستور دهند در پیشرفت این منظور با مأمورین تابعه کمال همراهی و تشریک مساعی معمول دارند.

منتظرم نتیجه اقدامات و پیشرفتی را که در این باب به عمل آمده است مرتباً به اطلاع این جانب برسانند.

فرماندار شهرستان تبریز محمود

هدایت

رونوشت برای مراقبت کامل در

اجرای دستور بالا به بخشداری

فرستاده شود - فرماندار

شهرستان تبریز محمود هدایت

امضا



[سند شماره ۱۰]

تاریخ ۴/۲۱ ماه ۱۳۱۹

شماره ۵

فرمانداری تبریز
شهرداری اسکو پیوست

محرمانه مستقیم

جناب آقای فرماندار تبریز

به طوری که مشاهده می شود، وضعیت حجاب و اتحاد شکل این صفحات، چندان موافق با منویات دولت نبوده و با قوانین و مقررات مملکتی مخالفت فاحش دارد. شکلاً در خود اسکو خانمها عموماً دارای چادر سیاه و چادر نماز و آنهایی که قدری متمدن هستند، روسری بزرگی که تا نصف تشان را می پوشاند دارند و خانمهای اطراف مانند زنان قدیم دارای چادرشبهای سیاه و چاقچور هستند. در حدود ۵۰ نفر بیشتر معمم در اسکو ۱۰۰ نفر بیشتر در خسروشاه و

توابع وجود دارد که بعضی عنوان امام جماعت و بعضی عنوان روضه خوان و غیره را دارند. نظر بر اینکه اهالی این صفحات در عمومیت ماجراجو و مذهبی هستند و ممکن است با کوچک ترین اقدام، مأمور را متهم و یا توهین هم وارد آورند، عقیده دارم به ایشان بنویسید اصلاح این وضعیت با خود شماست. چون هنوز شهربانی آنجا دایر نشده، انجام این امر به امنیه واگذار شود. صلاح نیست بلکه خود شما آن هم به زبان خوش و حسن تدبیر وسایلی برانگیزید که عموم این رویه را ترک کنند.

۱۵۸



۱۹/۴/۲۵

کشف حجاب در آذربایجان

[سند شماره ۱۱]

ساله ۱۳۱۷/۳/۱۰ سال

شماره ۱۰ همراه

موضوع

وزارت داخله

ایالت شرقی آذربایجان

حکومت آذرشهر

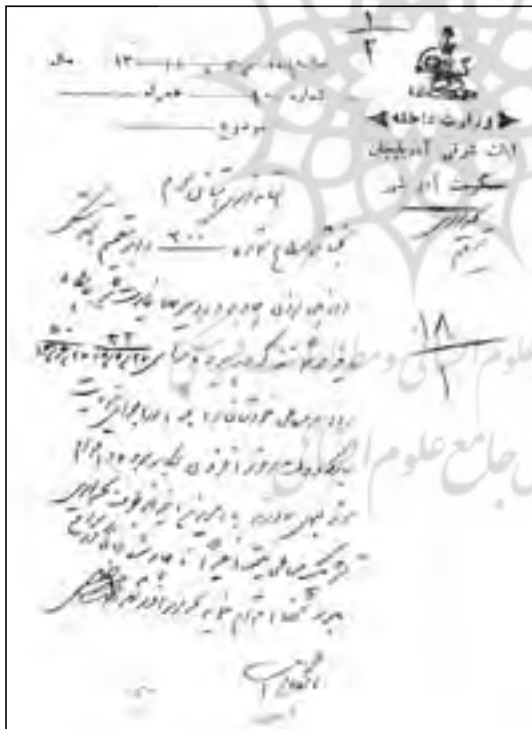
بخشداری

مستقیم

استانداری استان سوم

بخشنامه مطاع شماره ۲۰۰ دایر به تعمیم متحدالشکل و از بین بردن چادر و روسریها زیارت شد. به پاسگاه امنیه رسماً تذکر در پیرو نامه های $\frac{۴۲}{۱۶/۵/۲۷}$ $\frac{۵۰}{۱۶/۶/۲۷}$ داد که مساعی خودشان را جداً در اجرای منویات مبارک دولت روزافزون به کار برده و اقدام مؤثر به عمل آورند. با مأمورین امنیه از طرف بخشداری تشریک مساعی می شود. اخیراً ناچار شده غالباً در مواقع عبور شخصاً اقدام نماید. بخشداری

آذرشهر [امضا]



[سند شماره ۱۲]

فتحه پور

شماره کتاب ثبت ۸۳
تاریخ صدور ۲/۳۰ ماه ۱۳۱۷ (استانداری سوم)
جزوه دان ۱۸ پرونده ۱۰

پیوست

پاکنویس ۱/۲۸ / ماه ۱۳۱۷
تاریخ مینوت ۷/۱/۲۸ ماه ۱۳۱
فرماندهی هنگ نمره ۳ استان سوم گزارش رسیده است که موضع تجدد نسوان در آذرشهر عمومیت پیدا نموده لازم است فوراً دستورات لازم به مأمورین امنیه محل صادر نموده و نتیجه را اعلام دارند.
[حاشیه: فوری است.]



کشف حجاب در آذربایجان

[سند شماره ۱۳]

تاریخ ۱۲/۱۶ ماه ۱۳۱۶

(علامت شیر و خورشید)

وزارت داخله

(ایالت شرقی آذربایجان)

حکومت ارونق و انزاب و رودقان

استانداری آذربایجان شرقی

پاسخ امریه شماره $\frac{۱۰۱۱}{۱۶/۱۲/۱۱}$ بانوان رؤسای دواير دولتی و مستخدمین دفتری و جزء به طور آزادانه در بیرون حرکت و به مجالس عمومی و جشن حاضر می باشند، و راجع به قسمتی از اهالی شبستر به طوری که قبلاً نیز به عرض رسانده متمنی است اجازه فرمایند اسامی چند نفر که از بیرون آوردن و حاضر شدن خود و بانوان شان در مجالس جشن خودداری می نمایند، به عرض رسد که تصمیم درباره آنها امر به اتخاذ فرمایند. ولی به طوری که خاطر مبارک مسبوق و

در شماره $\frac{۷۹۹}{۱۶/۹/۲۰}$ نیز بدادن

دستور لازم به نماینده انزاب راجع

به تجدد نسوان فرموده و پیوسته با

همه تأکیدات و دستورات تا به حال

اقدامی به عمل نیاورده بانوان خود

طسوج و اطراف انزاب با چارقد و

اغلب با چادر خصوصاً در دهات

در بیرون تردد می نمایند. گزارش

عرض منوط به اقتضای رأی

مبارک است.

کفیل بخشداری ارونق انزاب

[امضا]

فوراً به اداره امنیه بنویسید اقدام

نمایند. ۱۶/۱۲/۱۹



[سند شماره ۱۴]

شماره کتاب ثبت ۳

تاریخ صدور ۱/۸ ماه ۱۳۱۷ وزارت داخله

جزوه دان ۱۸ پرونده ۱۰ استانداری سوم

پیوست

تاریخ مینوت ۱۳۱ ماه ۱/۷ پانویس ۱۳۱۷ ماه

فوری است

فرماندهی هنگ ۳ امنیه استان سوم گزارش رسیده است که در محال انزاب خصوصاً در قصبه طسوج بانوان آنجا مثل سابق با چارقد و روپوش تردد می نمایند. قدغن نماید فوراً مأمورین امنیه محلی، موضوع کشف حجاب را در آنجا عملی نموده و نتیجه را اعلام دارند.

[امضا]



کشف حجاب در آذربایجان

[سند شماره ۱۵]

وزارت داخله
(ایالت شرقی آذربایجان)

دایره

مورخه ۱۷/۳/۳۰

نمره ۱۴۳۹

سواد

اداره بخشداری ارسباران

عطف به شماره $\frac{۲۷۲}{۱۷/۳/۲۴}$ به طوری که خاطر محترم مستحضر است ، مأمورین این شهربانی در موضوع پیشرفت کشف حجاب جدیت تام داشته با این حال مجدداً به مأمورین دستور داده شده که زیاده از این به پیشرفت مفاد امریه جدیت لازم به عمل آورند و کدخدایان قراء حومه شهربانی نیز ملتزم شدند.

کفیل شهربانی ارسباران

رونوشت برابر اصل است .

۱۶۳



[سند شماره ۱۶]

نوع مسوده تلگراف

نمره ۸

موضوع مسوده

وزارت داخله

نمره عمومی

ضمیمه

اداره امنیه

نمره خصوصی ۳۵۰۴

کارتن

پاکنویس کننده خلیلی

دایره

دوسیه ۹/۳۲

تاریخ پاکنویس تاریخ ۳ خردادماه تاریخ تحریر ۲۳ خردادماه تاریخ خروج ۲۴ خردادماه ۱۳۱۰
ایالت جلیله آذربایجان مطابق اطلاع واصل از سراب عده ای از اهالی آنجا کم کم از لباس
متحدالشکل خارج شده و همان عبا و عمامه و لباس قدیم را دربر کرده اند. قدغن نمایند
حکومت آنجا دستوری که مطابق قانون متحدالشکل نمودن البسه همه و متخلفین را مطابق
مقررات قانون تعقیب نموده و نتیجه اقدامات را اطلاع دهند.

محرمانه



کشف حجاب در آذربایجان

[سند شماره ۱۷]

شماره ۳۸
۱۷/۱/۶
محرمانه

استانداری سوم

بازیارت امریه شماره ۱۰۱۱ محرمانه موضوع رفع حجاب و پیشرفت آن ، معروض می دارد
اولاً مأمورین ادارات دولتی با اینکه از بیرون آوردن بانوان خودشان به هیچ وجه خودداری
نمی نمایند با وجود این ، مدلول امریه فوق به مشارالیهم ابلاغ گردید که مفاد آن را همواره پیش
چشم خود قرار بدهند. بدیهی است هر یک از آنها برخلاف مقررات رفتار نمود گزارش آن به
عرض خواهد رسید -

ثانیاً مطابق گزارش اداره شهربانی محل قسمت نهضت و تجدد نسوان در سراب عملی شده
و بخشدار سابق نیز مراتب را ضمن شماره ۴۲۰۱ به عرض آن مقام منیع رسانیده است .

بخشدار سراب

[مهر و امضا]

به وزارت داخله اطلاع دهید ۱۷/۱/۲۱

۱۶۵



[سند شماره ۱۸]

کشف تلگراف کمیسر سرحدی از پيله سوار
 نمره وارده ۶۵۴۳ (علامت شیر و خورشید) اسم کشف کننده خلیلی
 تاریخ اصل ۱۱/۱۴ ماه ۱۳۱۴ (ارکان حرب کل قشون) تاریخ وصول ۱۱/۱۵ ماه ۱۳۱۴
 تاریخ مخابره ليله ۱۱/ ماه ۱۳۱۴ مرموزات تاریخ کشف ماه ۱۳۱
 مرجع ۴

ستاد ارتش

تعقيب معروضه نمره ۳۲۹۰ - ۱۴/۱۱/۱۱ ، ساعت ۱۴ مورخه سیزدهم بهمن ، جشن باشکوهی در عمارت مدرسه گرمی تشکیل گردید. افسران و تجار و اصناف و بیگ زادگان جمعیت زیادی از محال اجارود با خانمهای خود حضور به هم رسانده پس از نطقهای لازمه ، حاج میرمنصور که یکی از علمای محال اجارود است ، نطق مفصلی دایر به تشویق بانوان و اجرای اوامر شاهانه ایراد [کرد]. پس از صرف چای و شیرینی مجلس با مسرت تام و دعاگویی به ذات مقدس شاهنشاهی با کف زدن و هلله و شادی خاتمه [یافت]. راپرتاً عرض شد.

۱۶۶



۱۴/۱۱/۱۴ - نمره
 ۳۳۳۱
 سروان ماکوئی

کشف حجاب در آذربایجان

[سند شماره ۱۹]

نمره

(ایالت شرقی آذربایجان)

تاریخ ماه ۱۳۱

وزارت داخله

ضمیمه

مطابق راپرت واصله از حکومت خلخال راجع [به] تربیت نسوان ، از رؤسا[ی] ادارات دولتی و خانمهایشان دعوت [به عمل آمد] و مجلس جشن باشکوهی تشکیل نموده پس از بیانات لازمه در محسنات تجدد عالم نسوان ، عکس هم از حاضرین برداشته اند که یک قطعه از عکسهای مرسوله حکومتی در ضمیمه ارسال می گردد. نمره ۱۹۵۵۹ تاریخ ۱۴/۱۱/۲۰ سواد شرح فوق برای آگاهی به دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال می شود. ایالت شرقی آذربایجان

[امضا]

نمره ۲۱۷۳
۱۴/۱۲/۲۵

[دفتر مخصوص شاهنشاهی پهلوی]

۲۵ آذرماه ۱۳۰۴

۱۶۷



[سند شماره ۲۰]

ریاست وزراء

تاریخ ۱۸ ماه ۱۳۱۴/۱۲

نمره ۴۶

ضمیمه

محرمانه

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

در تعقیب نمره ۴۳ به موجب راپورت واصل از ایالت غربی آذربایجان ، موضوع پیشرفت نهضت بانوان را در خوی که سابقاً در حدود صدی هفتاد راپورت داده بود ، فعلاً در آنجا و سایر شهرهای تابعه آن ایالت کلاً خاتمه یافته است .

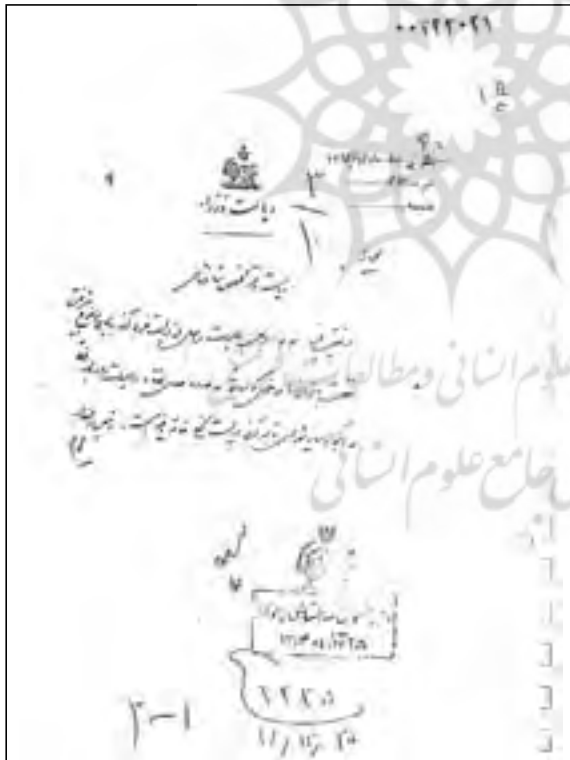
رئیس الوزراء محمود جم

[دفتر مخصوص شاهنشاهی پهلوی]

۲۵ آذرماه ۱۳۰۴

نمره ۲۲۲۵
۱۴/۱۲/۲۵

۱۶۸



پانوشتها:

- ۱- زنانی همچون زینب پاشا را باید استثناء دانست .
- ۲- امروزه این رویدادها در برخی از روستاها و نیز در میان برخی عشایر رواج دارد که در زبان محلی یاشماخ / یاشماخ گفته می شود.
- ۳- ر.ک: خوشنوت و فرهنگ، اسناد محرمانه کشف حجاب، تهران، مدیریت پژوهش سازمان ملی اسناد، تهران، ۱۳۷۱؛ تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸؛ حکایت کشف حجاب، واحد تحقیقات مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳؛ واقعه کشف حجاب، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان، به اهتمام مرتضی جعفری، صفر اسماعیل زاده، معصومه فرشچی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۴- بصیرت منش، حمید: «سیاست مذهبی حکومت رضاشاه»، تاریخ معاصر ایران، کتاب دهم، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، ص ۶۴.
- ۵- رحیم نیکبخت، «تغییر لباس و قیام مردم تبریز»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۴، ص ۱۷۴؛ رحیم نیکبخت، «علمای آذربایجان و سلطنت رضاشاه» هفته نامه نقیب، س اول، ش ۲، چهارم، پنجم، ششم، نهم.
- ۶- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۲، ص ۲۸۴؛ رحیم نیکبخت، «تغییر لباس و قیام مردم تبریز»، ص ۱۷۵.
- ۷- «تبریز که در آن زمان از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و علما و بزرگان بسیاری در آن دیار وجود داشته اند، بزرگان روحانی تصمیم گرفتند جهت هر چه باشکوه تر برگزار نمودن امر مهاجرت با مهاجرین همراه شوند.» (نجفی، موسی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸، ص ۲۴۱؛ رحیم نیکبخت، همان منبع، ص ۱۷۵).
- ۸- ر.ک: مرسلوند، حسن، زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۳۰۲-۳۰۱؛

- نیکبخت، همان منبع، ص ۱۷۵.
- ۹- ر.ک: نیکبخت، همان منبع، ص ۱۷۶.
- ۱۰- خاطرات نخستین سپهبد ایران، احمد امیراحمدی، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶، صص ۲۶۷-۲۶۶؛ نیکبخت، همان منبع، ص ۱۷۶؛ نیکبخت، رحیم و صمد اسمعیل زاده، زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبایی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۵۶-۵۲.
- ۱۱- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ص ۲۸۴؛ زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبایی، صص ۵۷-۵۶؛ «تغییر لباس و قیام مردم تبریز»، صص ۱۸۰-۱۷۶؛ مجتهدی مهدی، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، بی جا، بی نا، ۱۳۲۷، ص ۱۰۳.
- ۱۲- ثقة الاسلام میرزا محمدآقا، سوانح عمری آثار تاریخی، بی جا، چاپخانه رضایی، ۱۳۴۰.
- ۱۳- امید، حسین، تاریخ فرهنگ آذربایجان، اسفند ۱۳۳۲، ج ۱، ص ۲۵۵.
- ۱۴- سوانح عمری آثار تاریخی، ص ۱۲۹.
- ۱۵- خشونت و فرهنگ، ص ۳۵.
- ۱۶- تاریخ فرهنگ آذربایجان، ص ۲۲۴.
- ۱۷- همان، ص ۲۲۳.
- ۱۸- صفوت، محمدعلی، تاریخ فرهنگ آذربایجان (با فوائد ادبی)، قم، ۱۳۲۹، ص ۱۵۲.
- ۱۹- نجفی، موسی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۷۸، ص ۴۴۴.
- ۲۰- ر.ک: تاریخ فرهنگ آذربایجان، ص ۲۲۴. در این زمینه نباید از کانون بانوان شعبه ارومیه و فعالیتهای آن غافل شد.
- ۲۱- قاضی طباطبایی، محمدعلی، سفرنامه بافت، نسخه خطی، ص ۲۶۰، به نقل از زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبایی، ص ۶۰.
- ۲۲- «تغییر لباس و قیام مردم تبریز»، ص ۱۸۲.
- ۲۳- سوانح عمری آثار تاریخی، صص ۱۳۱-۱۳۰.
- ۲۴- همان، ص ۱۳۴؛ زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبایی، صص ۶۲-۶۱.
- ۲۵- ر.ک: تغیر لباس و قیام مردم تبریز، ص ۱۸۳.
- ۲۶- همان.
- ۲۷- خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه کشف حجاب، تهران، مدیریت پژوهش سازمان ملی اسناد، ۱۳۷۱، ص ۳۹.
- ۲۸- «تغییر لباس و قیام مردم تبریز»، ص ۲۱۵؛ خشونت و فرهنگ، صص ۴۶-۴۲-۴۰.
- ۲۹- خشونت و فرهنگ، همان منبع، ص ۳۵.
- ۳۰- واقعه کشف حجاب، همان منبع، ص ۱۸۴.
- ۳۱- ر.ک: خشونت و فرهنگ، صص ۳۶-۳۵.
- ۳۲- تغیر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، صص ۲۷۵-۲۱۸.
- ۳۳- خشونت و فرهنگ، ص ۳۹؛ واقعه کشف حجاب، ص ۳۶۲.
- ۳۴- اسناد پیوستی، شم ۸-۷-۶.
- ۳۵- تغیر لباس و کشف حجاب، ص ۴۲، ۴۳، ۶۱ و ۱۸۵.
- ۳۶- همان، ص ۴۰۸.
- ۳۷- همان، ص ۴۰۸.

کشف حجاب در آذربایجان

- ۳۸- آوری، پیترو، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمدرفیعی مهرآبادی، مطبوعاتی عطائی، ج ۲، ص ۷۲؛ الول ساتون، ال .
پی، ایران نو، علی جواهرکلام، بی جا، بی تا، بی نا، ص ۸۲.
۳۹- «تغییر لباس و قیام مردم تبریز»، صص ۲۰۶ و ۲۱۵.
۴۰- سوانح عمر، صص ۱۳۲- ۱۳۱.

